

یک عشق با ارزش

مرقس ۱۴:۳-۹



وقتی عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی بر سر سفره نشسته بود، زنی با گلابدانی از سنگ مرمر، که پر از عطر گران قیمت سنبل خالص بود، وارد شد و گلابدان را شکست و عطر را بر سر عیسی ریخت. بعضی از حاضران با عصبانیت به یکدیگر گفتند: «چرا باید این عطر این طور تلف شود؟ می‌شد آن را به بیش از سیصد سکه نقره فروخت و پولش را به فقرا داد.» آنها با خشونت به آن زن اعتراض کردند. اما عیسی فرمود: «با او کاری نداشته باشید، چرا او را ناراحت می‌کنید؟ او کار خوبی برای من کرده است. 7 فقرا همیشه در بین شما خواهند بود و هر وقت بخواهید می‌توانید به آنها کمک کنید، اما مرا همیشه نخواهید داشت. 8 او آنچه از دستش بر می‌آید برای من کرد و با این عمل، بدن مرا پیش از وقت برای دفن آماده کرده است. 9 یقین بدانید در هر جای عالم که انجیل اعلام شود، آنچه او کرده است، به یادبود او بیان خواهد شد.»

آنها سه سال با عیسی همراه بودند. آنها خطبه های عیسی را گوش کردند و با او صدها کیلومتر راه رفتند. آنها معجزه ها و کمک های او را به فقیرها را از نزدیک مشاهده کردند. آنها در این راه همه چیز و خانواده خودشان را رها کردند. تا بودن در کنار گنج بی پایان را تجربه کنند. همه اینها در یک جایی به پایان می رسد. حال آن چه چیز خوبی بود که آنها به همراه عیسی در هنگام ورود به شهر اورشلیم با تشویق مردم روبه رو شدند؟ انجا بالاترین نقطه حرف های عیسی بود و به نظر می رسید که راه آنها به پایان رسیده است. آنها همه چیز را فهمیده بودند و کاملا به صورت همیشگی در کنار عیسی قرار داشتند. ولی زمان آغاز زجر و عذاب عیسی را نمی دانستند. آن زمانی که آنها دور میز غذا نشسته بودند، این فکر از آنها خیلی دور بود.

در یک لحظه ولی صدای بلندی آمد و ظرفی شکسته می شود و همه مهمان ها به یک سو خیره می شوند و از صحنه رخ داده شده تعجب می کنند. در میان آن همه مرد، یک زنی وارد شده بود در صورتی که در آن زمان زن ها اجازه حضور در بین مردان را نداشتند. ولی چیزی که در دست های آن زن بود که از بین رفته بود، بسیار ارزش داشت زیرا آدم می توانست محتوای آن را از بسته اش تشخیص دهد. یک ظرف عطر شکسته شده بود که بهترین عطر آن زمان را دربر داشت. آن عطر سنبل خاصی بود که آدم می توانست از بوی اش بفهمد. آدم برای خرید آن بایستی یک سال کار می کرد تا توانایی خرید آن را پیدا می کرد. در انجا شاگردان عیسی از این کار آن زن بسیار عصبانی شدند و به او پرخاش کردند. آنها به این عقیده بودند که آدم می توانست با پول آن عطر به خیلی از فقیرها کمک بکند و چرا باید اینگونه آن هدر می رفت. آن زن با این کار خودش قصد داشت تا عیسی را با این روغن خوش بو مسح کند. البته شاگردان عیسی یادشان رفته بود که او همان مسیح موعود می باشد و بایستی او را با بهترین روغن ها مسح بدهند. و حال چه زمانی از این بهتر که پادشاه آنها با الاق خود به اورشلیم آمده است و اکنون در این روز جشن مناسب است که او را مسح کنند. ولی عیسی در انجا به آن زن حق می دهد و کار او را می ستاید. حال آن زن چه عمل درستی را در انجا انجام داده است؟ این چه کاری بود که عیسی در ادامه می گوید که همه نسل ها باید از این عمل این زن یاد کنند.

عملی که آن زن در انجا انجام داد را می توان در یک جمله " از خود گذشتگی منحصر به فرد" خلاصه کرد. از طرفی او به خودش این جرات را می دهد که چنین عطر گران بهایی را از بین ببرد و از طرفی دیگر پا به محفل مردان بگزارد و این عطر را بر روی عیسی بریزد و او را مسح کند. در آن زمان بالاترین کاری که یک صاحب خانه برای مهمان می کرد، پاهای او را می شست ولی در اینجا آن زن کاری غیر معمول انجام می دهد و او را با روغن مخصوص مسح می کند. فقط این خانم می توانست این کار را انجام بدهد زیرا او از یک ایمان خیلی قوی برخوردار بود. او دقیقا همان کاری را می کند که غیر یهودیان انجام می دادند. او می دانست که با لمس پارچه لباس عیسی می تواند نجات و شفا یابد. در عمل این خانم، موضوع فقط شفا گرفتن او نبود بلکه او می خواست فقط برای عیسی کاری کرده باشد. و او این معجزه شفا گرفتن را فقط برای خودش نمی خواست و او با این کار خودش به همه ثابت کرد که این برای همه برادر و خواهر ها و دوستان او می باشد. و او این کار را فقط برای عیسی انجام داده است چون او عیسی مسیح را شناخته بود. او همچنین سخنان پطرس را به یاد می آورد و می شناسد که می گوید تو مسیح هستی. تو پسر خدا می باشی. در این عطری که بر روی سر عیسی ریخته می شود. یک مثال خیلی با ارزشی نهفته است. همانطوری که عیسی در یوحنا ۱۲:۲۴ می گوید: «یقین بدانید که اگر دانه گندم به داخل خاک نرود و نمیرد، هیچ وقت از یک دانه بیشتر نمی شود اما اگر بمیرد دانه های بی شماری به بار می آورد.» آن زن می توانست آن عطر گران بها را در پیش خودش مخفی کند و یا اصلا راجع به آن با کسی صحبت نکند و یا آن را در یک زمان مناسب بفروشد. ولی او این کار را نکرد و در یک عمل از خود گذشته گی همه را بر روی سر عیسی می ریزد. او این از خود گذشته گی را می کند و درنگی در آن انجام نمی دهد.

در این عمل ما نشانه ها و فاکتورهایی را می بینیم که در زندگی پر رنج عیسی می شناسیم. و در این داستان و همچنین در داستان زندگی عیسی، او خودش را باید برای ما فدا کند. در آن لحظه ای که عیسی خودش را برای ما می ریزد آسمان از حرکت خود باز می ماند و همه از تعجب می ایستند. ایا این امکان دارد که خدایی که تمام دنیا را آفریده است و کسی که از آغاز جهان وجود

داشته خودش و خون با ارزش خودش را برای ما انسان هایی که فنا شده ایم بدهد؟ ایا این خیلی با ارزش نمی باشد؟ و یا این از سر ما زیاد نمی باشد؟ در زمان های قدیم تاریخ طور دیگری رقم خورده است. در زمان نوح خدا دنیا را با آب پر کرد. تا همه به زیر آب رفتند. انسان ها هنوز هم پلید هستند ولی امروزه خدا با آنها طور دیگری رفتار می کند. او محبت خودش را بر تمام دنیا ابراز می دارد حتی بر آدم های پلید. او محبت خودش را برای ما برای همیشه و مداوم دارد.

شاید بعضی ها این فکر را بکنند که این خون با ارزش عیسی که در آن زمان ریخته شده است فقط برای افراد کمی و یا فقط برای شاگردانش و یا برای افراد با اعتماد او بوده است. ولی مورد قابل توجه این است که این خون برای تمام انسان ها می باشد. و این امر بارها در انجیل آمده است و تکرار شده است. و برای افراد خاص نمی باشد ولی از طرفی ما این نارضایتی ها را در آن زمان که عیسی زنده بود می بینیم که بعضی ها به عیسی اعتراض داشتند که چرا بعضی ها که انسان های پلیدی هستند بایستی از این موهبت برخوردار باشند. ولی ما می بینیم که عیسی میل دارد تا همه را مورد لطف خود قرار بدهد. همه انسان ها چه از گذشته و چه تا امروز همه باید از برکات او برخوردار باشند. برای همین او تمام شاگردان خودش را به همه جای دنیا می فرستد تا انسان های زیادتری را به خودش دعوت نمایند. و مژده انجیل را به همه جا برسانند.

هر کاری که عیسی با ما انجام داده و انجام می دهد را آن زن در این داستان با این روغن گران بها اجرا می کند. تنها عمل این زن باید محور مرکزی باشد. بنابراین ما باید نگاهی دقیق از عملکرد این زن بیاندازیم. می بینیم که مسح کردن در بینانی و رستاخیز شدن عیسی مصلوب شدن او را محاصره می کنند. در یک اطرف زنی است که با عملش اعلام کرد که عیسی پادشاه است. از طرف دیگر ، خدای پدراست ، که با آرامی عیسی را از سر تا پا شفا می دهد و او را رستاخیزی کرد ... هر دو عمل به ما نشان می دهد که عیسی پادشاه بر گناهان ، مرگ و شیطان است. مدت طولانی داستان مسح شدن عیسی را اینگونه درک کردم که این عمل فقط برای عیسی بود. و در سکوت فکر کردم: باشه عیسی تمام زندگیش برای فقرا کار می کرد ... اکنون با این کار زن یک عمل کوچک برای او بود. و این کار برای فقرا نیست. اما این درست نیست! با این کار که عیسی قبل از مصلوب شدنش به عنوان پادشاه مسح شده است ، این عمل روشن می کند که عیسی پادشاه بر گناهان ، مرگ و شیطان است. و این اتفاقی است که برای ما افتاده است. از طریق عیسی ، خدا چیزهایی که زندگی ما را خراب سخت زیر پای عیسی قرار می دهد و آنها را شکست می دهد. عیسی برنده شد ... آیا احساس غرق شدن در اخبار کورونا را دارید؟ یا در غیر این صورت درگیر بسیاری از گناهان و مشکلات متفاوت! عیسی به شما نشان می دهد که بر همه این چیزها پیروز می شود. همه ما یک روز به عمیقترین مکان خواهیم رفت. همه ما باید رنج بکشیم ... و بمیریم ... با وجود این سرنوشته ما: به پادشاه رنج نگاه می کنیم. پادشاه زندگی و مرگ نزدیک شماست. او شما را به سمت زندگی می کشد. آمین